

## کلام رهبر



### مجمع هماهنگ‌کننده تشکل‌ها

یک توصیه دیگر ما هم این است که تشکل‌های دانشجویی با هم همفکری ، همکاری و همدلی نشان بدهند. حالا من نمی‌خواهم یک چیزی را حتماً یک پیشنهاد قطعی بکنم، اما به نظر آدم می‌رسد که مثلاً یک مجمع هماهنگ‌کننده‌ای بین این تشکل‌ها وجود داشته باشد تا تشکل‌ها هم‌جهت پیش بروند.البته جهت‌های کلی نسبتاً با هم یکسان است، خوب است نمی‌خواهیم هم بگوییم که این تشکل‌ها خیلی مختصانی که هر کدام دارند، بایستی این مختصات را همه یک‌کاسه کنند؛ نه، تنوع و مختصات گوناگون در تشکل‌ها هیچ ایرادی ندارد؛ منتها در جهت‌گیری‌ها، در پیشرفت به سمت اهداف انقلاب، یک هماهنگی انجام بگیرد تا بتوانید بر محیط دانشجویی اثر گذاری کنید.تشلک‌ها باید بتوانند بر محیط دانشجویی اثر گذاری کنند. خوشبختانه محیط دانشجویی محیط خوبی است، نه اینکه در محیط دانشجویی اشکال نیست،انحراف نیست،خطانیست،لغزش نیست؛ کجا نیست؟ در مقدس‌ترین مجموعه‌ها و محیط‌ها هم بالاخره انسان یک لغزش‌هایی سراغ دارد یا مشاهده می‌کند،اما مجموعاً محیط دانشجویی، محیط برنشاط، پرترک و روی مردمی‌و معتمدو پایبندبه مبنایی به حساب می‌آید.این چیز خیلی مختصانی است. محیط دانشجویی ما اینچوری است؛ از این باید استفاده کرد، روی این محیط باید تأثیر گذاری کرد، باید جهت‌گیری درست داد. یک توصیه دیگر ما هم این است که هم مسئولان دانشگاهی کشور و هم تشکل‌ها سعی کنندنسبت به‌همدیگر ممانشات و همراهی و همکاری داشته باشند. مواردی آدم می‌شنود که این همکاری‌ها یا وجود ندارد یا تعارض وجود دارد. باید همکاری بکنند، باید همدلی بکنند،چون هدف‌ها یکی است،اهداف انقلاب است. مسئولان دارند زحمت می‌کشند، تلاش می‌کنند،واقعاُ عرق می‌ریزند. آدم می‌بیند دیگر - فکر می‌کنند، به قدری که به ذهن‌شان می‌آید، به قدری که توان دارند، دارند تلاش می‌کنند.این جوان‌های تشکل‌ها هم، همه‌بالگیزه، پر نشاط و پاکیزه‌ناند. خوب، این مجموعه‌ها باید به‌همدیگر کمک کنند.

## تربویون دانشجویی

### به فکر حل مشکلات دانشجویان دکتری باشید

**■امیر حسین سفینی**\*

دانشجوی دکتری‌اंक عنوان بسیار زیباست که به‌رغم افزایش تعداد دانشگاه‌ها و پذیرش تعداد بالای دانشجویان همچنان شأن خود را حفظ کرده و یک پرسرترژی محسوب می‌شود. اما این مسئله پرسرترژی نیست که فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد را به سمت دکترا خواندن سوق می‌دهد بلکه علاقه به پژوهش تخصصی است که باعث می‌شود دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد به ادامه تحصیل بپردازند.

اما مسرر انچنان که باید هم هموار نیستت چراکه یک دانشجوی دوره دکتری در ایران به طور متوسط از سن حداقل ۲۵ سالگی در این دوره مشغول به تحصیل می‌شود و دانشگاه‌های سراسری از دانشجویان دکترا تعهد می‌گیرند که شغلی نداشته باشند و این در حالی است که فردی با این سن باید مستقل زندگی کند یا حتی سرپرست خانواده باشد. در کشور‌های اروپایی و امریکایی نیز دانشجوی دوره دکتری بودن یک شغل محسوب می‌شود و دانشجویان اصطواً نمی‌توانند در جای دیگری مشغول به کار باشند اما از طرف دانشگاه به دانشجوی حقوق داده می‌شود که متأسفانه در کشور ما چنین مسئله‌ای برسررور نیستت و همین موضوع باعث شده که تمرکز روی ترزهای دوره دکتری کاهش پیدا کند و همدققان باشد.

مسئله دیگری که دانشجویان دکتری با آن درگیر هستند و البته برای آن کمپینی ۴هزار نفره تشکیل داده‌اند مشکل عدم اعطای تسهیلات ویژه به دانشجویان دکترا است که هدف شده و عدم پرداخت وام پژوهانه است. با توجه به اینکه دانشجویان دوره دکتری از حق اشتغال محروم شده‌اند و بابت پژوهش و تحصیل در عالی‌ترین دوره آموزش عالی حقوقی دریافت نمی‌کنند، وام ویژه برای دکتری و تسهیلات پژوهانه می‌توانست نقطه امیدوی برای دانشجویان این دوره باشد.اما طبق قوانین جدید وام‌افزار است هر سه ماه یکبار آن هم با شرایط سخت پرداخت شود که زندگی را بیش‌از پیش برای دانشجویان دکتری سختتر می‌نماید. از طرف دیگر دانشجویان دکتری در ایران حداقل در یک سال اول نمی‌دانند که قرار است روی چه پروژه‌ای کار کنند و سرردرگم هستند و همین امر باعث می‌شود که بخشی از عمر آنها هدر رود. در حالی که در خارج از کشور دانشجویان به توجه به پروژه‌های در دست اقدام دانشگاه و اسناد جذب می‌شود و از همان ابتدا می‌داند که در طول دوره دکتری قرار است چه پروژه‌ای را به سرانجام برساند.

بنابراین با توجه به شرایط به وجود آمده و مسائلی که مطرح شد سرونشت دانشجویان دکترا از دو حل خارج نخواهد بود. در حالت اول به احتمال زیاد با توجه به نیازهای مالی و سرردرگمی‌های که وجود دارد، تمرکز دانشجویان روی ترزها کاهش پیدا خواهد کرد و این مسئله باعث خواهد شد که رشد علمی کشور با توجه به اینکه بیشترین تولید علم در این مقطع صورت می‌گیرد، کاهش می‌یابد و در حالت دوم مسئله مهاجرت و فرار مغزها بیش‌از پیش مطرح خواهد شد. بنابراین مسئولان آموزش عالی و دولت برای اعتیادی علمی کشور باید به فکر حل مشکلات دانشجویان دکترا و پژوهشگران باشند.

**«دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف**

#### گزارش

**محسن فرهادی**

# دانشگاه

## اولویت‌های وزیر علوم دولت دوازدهم کدام است؟

# اجرای سیاست‌های ابلاغی به جای سرگرم شدن به حاشیه‌ها



شدهمسئله‌ای که می‌تواند در برنامه‌ریزی صحیح برای سال سالت تحصیلی جدید، مشکل ایجاد کند. با این همه، معضلات اصلی وزارت علوم و خیر ورای داشتن هر موضع سیاسی نسبت به دولت مستقر، برای همه سر دم می‌تواند ناراحت‌کننده باشد. بی‌وزیر ماندن وزارت علوم به عنوان بزرگ‌ترین کلونی نخبگان و متخصصان کشور می‌تواند تبعات عمیقی در پی داشته باشد. خصوصاً آنکه اولاسرپرست فعلی، مانند وزیر ميسوسط‌البيد نیستت و از سوی دیگر، به دلیل مدیریت موقت بر این وزار تخانه مهم، نخواهد توانست در تدوین برنامه‌های بلندمدت برای چهار سال آینده آموزش عالی اقدامی جدی داشته باشد. با این حال، حسن روحانی در اولین گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم پس از استقرار دولت دوازدهم، راجع به معرفی وزیرای علوم و نیرو به مجلس گفته است: «در هفته اول مه‌راه سعی می‌شود این دو وزیر معرفی می‌شوند.» این در حالی است که علی مطهری، نائب رئیس مجلس شورای اسلامی هشتت شهرپور ماه‌جاری در پاسخ به اظهار یکی از نمایندگان مبنی بر اینکه رئیس‌جمهور باید طی دو هفته اخیر وزیر علوم در پی مجلس معرفی می‌کرد، می‌گوید: «به نظر من این اظهار در دست است، رئیس‌جمهور باید ظرف ایسن دو هفته وزیر علوم را معرفی می‌کرد.» خلاصه آنکه، آنگونه‌که از طواهر ماجرا پیداست، تکلیف وزارت علوم پیش از آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها مشخص نخواهد

#### گزارش

**کامران حاجی‌حسینی**

بی‌پولی دانشگاه جماعت، تبدیل به اصلی پذیرفته‌شده در جامعه ما شده است. به باور همگان از دانشجونمی‌توان توقع فعالیت اقتصادی و درآمدناتنی داشت. در همین فضا، بدهی نجومی دانشگاه‌ها به صندوق رفاه دانشجویی، واقعیت تلخی است که خیرهای آن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ چراکه چنین موضوعی اساساً صبیغه سیاسی ندارد و بنا بر قانونی نانوشته- که شاید بتوان ریشه‌های آن را در قلم‌بندی کاذب اصولگرها- اصلاح‌نابند.

دانست -مسائل غیرسیاسی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال، اینها در واقعیت قضیه تغییریی ایجاد نخواهد کرد، واقعیت همین است که به‌رغم اطلاع‌رسانی‌های مکرر صندوق رفاه و اتخاذ طرح‌های بخشش بدهی دانشجویان، هنوز هم بخش قابل توجهی از وام‌های پرداخت شده به دانشجویان بازپرداخت نمی‌شود. مسئولان صندوق رفاه دانشجویی البته طی سال‌های قیل مکرر در پی حل این معضل بوده‌اند. مثلاً مه‌راه ۹۴، دولقار بزندان‌مه‌ر رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم به رسانه‌ها گفته است: «با توجه به تصمیمات گرفته‌شده، دانشجویانی که ۱۲ تا ۲۲ تا بهمن بدهکاری‌های خود را به صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم به صورت یک‌جا پرداخت کنند، جریمه آنها بخشیده می‌شود.» تعداد بزندان‌مه‌ر در همان تاریخ گفته بود: «تعداد بدهکاران معوقه صندوق رفاه دانشجویان ۴۶۵هزار و ۱۶۸ نفر و به مبلغ ۱۶۲۰ میلیارد ریال است.» رقمی که برای درک بهتر میزان آن باید نگاهیه به رقم بودجه صندوق رفاه در متن قانون بودجه سال ۹۶ داشت. در لایحه بودجه سال ۹۶ که از سوی رئیس‌جمهور به مجلس تقدیم شد، دولت از محل اعتبار سازمان امور دانشجویان مبلغ ۷۵ میلیارد و ۶۵۰ میلیون ریال برای صندوق رفاه دانشجویان رنظر گرفت.

این یعنی اینکه مجموع وام‌های معوق صندوق رفاه در سال ۹۴، چیزی بیش از ۲۱ برابر بودجه صندوق در سال جاری بوده است. بنا به گفته مسئولان صندوق رفاه دانشجویی البته طی دو سال اخیر، بخشی از این بدهی از سوی فارغ‌التحصیلان بازپرداخت شده است. بزندان‌مه‌ر

ر در راه خدمت به آینده آموزش عالی کشور صرف کند. اولویت‌ها اما کدام است و تشخیص اولویت‌های کاری وزارت علوم در مقطع کنونی چقدر زمان بر خواهد بود؟ پاسخ چندان پیچیده نیست؛ چراکه اسناد کارشناسی شده و بالادستی موجود در این زمینه، تکلیف همگان را مشخص نموده و نیازی به کنکاَش دوباره پیرامون این موضوع نیست؛ تدوین نقشه جامع علمی کشور اساساً با هدف تعیین همین اولویت‌ها صورت گرفته است. در این شرایط، وزیر علوم دولت دوازدهم تنها باید تصمیم بگیرد در جای مشغول شدن به حاشیه‌ها، بستر اجرایی شدن متن سیاست‌های ابلاغی در این زمینه را فراهم کند. در این مسیر، سامان دادن به وضعیت طرح‌های کلان‌شورای عالی‌عنف به عنوان مهم‌ترین راهبرد اتصاَل دانشگاه و صنعت، اولویتی اساسی خواهد بود؛ چراکه تعیین و تصویب طرح‌های مذکور، به عنوان مهم‌ترین نتایج نقشه جامع علمی کشور شناخته می‌شود. طرح‌های مورد بحث، ناظر به نیازهای روز کشور در حوزه‌های مختلف - علوم مهندسی تا علوم پایه و علوم انسانی - تعریف شده و قرار بوده در متن پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها اجرایی شود. اجرایی‌شدنی که قرار بوده علاوه بر جهت‌رشد نسبت به مقالات علمی تولیدشده توسط دانشجویان، زمینه کارورزی و اشتغال آنها را نیز فراهم کند. طی دولت گذشته اما بخش زیادی از طرح‌های مذکور معطل مانده است، واقعیتی که می‌توان از آن به عنوان

## دانشجویان بیکار و بدهی نجومی به صندوق رفاه

## کار برای دانشجو هم عار نیست!

در همین زمینه گفته است: «در طرح بخشودگی ۵۰ درصدی جرایم، حدود ۴۷ هزار نفر شرکت کردندو مبلغ ۶۴۰ میلیارد ریال از بدهی‌های معوق جاری صندوق رفاه دانشجویان وصول شد.» بااین حال، اصل مشکل همچنان پابرجاست. بر همین اساس رئیس سابق صندوق رفاه دانشجویی مه‌ر فروردین ماه سال جاری نیز تأکید می‌کند: «یکی از موزعواتی که در سال ۹۶ به طور جدی دنبال می‌شود بحث پرداخت معوقات صندوق رفاه است که برنامه صندوق این است که بتواند معوقاتی که تا سال ۹۵ وصول نشده را دریافت کند.»

حالا اما جدیداً خبر می‌رسد در روزهای منتهی به شروع سال تحصیلی جدید، مسئولان صندوق رفاه باز هم ناچار شده‌اند مانند سال ۹۵ به تعدید طرح بخشودگی جرایم در کرد بدهی‌های دانشجویان اقدام کنند. بزندان‌مه‌ر در همین زمینه اخیراً به رسانه‌ها گفته است: «برای دریافت معوقات از دانشجویان دانش‌آموختگان بدهکاری که معوقه وام‌های خود را به صندوق پرداخت نکرده‌اند فقط تا پایان مه‌راه فرصت دارند در غیراین‌صورت مشمول جریمه ۱۲ درصدی می‌شوند.» با این حال به نظر می‌رسد راه‌حل اساسی هیچ‌کدام از این طرح‌ها نباشد. راه‌حل اساسی این است که اولاً مجموعه مدیریت آموزش عالی کشور خود را در قبال اشتغال دانشجویان مسئول بداند و رسالت



دانشگاه رفاه و دانشجویان

تاخیری نابخشودنی در عرصه آموزش عالی کشور یاد کرد.

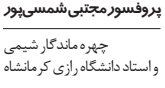
دیگر اولویت مهم حوزه آموزش عالی طی چهار سال آینده را اما بدون‌شک باید اجرایی کردن سند آمایش آموزش عالی کشور در تمامی زیرحوزه‌های آن دانست. اجرایی کردن سند مذکور نیز متأسفانه با آنکه بخشی از فرآیند اجرایی نقشه جامع علمی کشور به شمار می‌رود، طی دولت یازدهم به سرانجام نرسیده است. به صورتی که ظاهراً پذیرش دانشجو در سال تحصیلی جدید نیز بدون لحاظ نیازسنجی‌های جنرفیاضی در حوزه‌های مختلف صورت خواهد گرفت. به بیانی ساده‌تر از تداوم این فاجعه در حوزه آموزش عالی کشور این است که فی‌العمل مادر دانشکده‌های کشاورزی گرم و خشک‌ترین استان کشور، بیشترین دانشجویان ورودی را به رشته شیلات اختصاص دهد!

مسئله‌ای که متأسفانه در سایه غفلت مسئولان آموزش عالی در مقاطع مختلف، هم‌اکنون با کم و کیفی متفاوت در تمامی رشته‌محل‌های وزارت علوم، دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه علمی کاربردی و سایر زیرحوزه‌های آموزش عالی کشور در حال انجام است. نتیجه روشن چنین پذیرش نیازسنجی نشده‌ای طبیعتاً آن خواهد شد که معاون وزیر علوم از سویی بگوید: «موروز ۵۰هزار دانش‌آموخته بیکار در مقطع دکترا داریم که سالانه ۳۰ هزار نفر نیز به این آمار اضافه می‌شود.» و از سوی دیگر در همان جلسه اظهار کند: «امسال ما ۱۲۰ هزار دانشجو جذب کردیم در حالی که ظرفیت دانشگاه ۸۵۰ هزار نفر بود، یعنی از هر هفت صندلی، یک صندلی پر شده است که روند کاهش دانشجو در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت!» اجرای طرح‌های کلان‌شورای عالی‌عنف در کنار اجرایی شدن سند آمایش آموزش عالی کشور اما می‌تواند علایجی برای هر دو سوی این فاجعه باشد؛ چراکه طرح‌های کلان‌شورای عالی‌عنف، شاه‌کلید رفع بیکاری فارغ‌التحصیلان و پیوند دادن صنعت با دانشگاه به شمار می‌روند و سند آمایش آموزش عالی نیز تنها راه‌حل پذیرش نظام‌مند و علمی دانشجو خواهد بود. اجرای این دو راهکار هم‌زمان خواهد توانست دیگر معضلات موجود در این حوزه همچون کمبود بودجه دانشگاه‌ها، وجود خلأ‌مهارت‌آموزی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و… را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. به باور نویسنده، حل بخش‌یازدانی از معضلات فرهنگی موجود در محیط دانشگاه‌ها نیز در گرو اجرای دو‌دستور کار مزبور است، امری که تنها مقام عالی‌وزارت علوم در دولت دوازدهم، قادر به ساماندهی و اجرای آن خواهد بود.

### حرف استاد

#### فرار مغزها یا فراری دادن مغزها

یکی از بحث‌هایی که جامعه علمی ما درگیر آن است، اصطلاح فرار مغزهاست. من به عنوان یک عضو جامعه علمی بحث فرار مغزها را خیلی قبول ندارم. ما باید بگوییم فراری دادن مغزها، ما و مسئولان باید قبول کنیم که ناگاهانه مغزها را فراری می‌دهیم، ما امروز با رشد فراری علمی حدود ۳۰۰ هزار دکترای با کیفیت بسیار بالا در مملکت آماده خدمت داریم ولی ما توانایی جذب



پروسوسر مجتبی شمس‌پور

چهره ماندگار شیمی

استاد دانشگاه رازی کرمانشاه

آنها را در داخل کشور نداریم و برای آنها امکانات پژوهشی را فراهم نکرده‌ایم. در حالی‌که این دانشجویان و دانش‌آموختگان دکتری با ظرفیت‌های بالای علمی‌ای که دارند هر کدام که به آن سوی مرزها بروند، حتماً می‌توانند از شرایط مناسب شغلی و پژوهشی برخوردار شوند. بنابراین این پژوهشگران جوان به چه‌امیدی در کشور بمانند در حالی که نه شغل دارند، نه زندگی تشکیل داده‌اند و نه تضمینی برای آینده آنها متصور است. پس باید قبول کنیم که این از ناتوانی مادر جذب آنهاست که آنها را به مهاجرت ترغیب می‌کند.

این در حالیست که در خارج از مرزها مغزهای این کشور مورد استقبال قرار می‌گیرند. در واقع هر یک از ایسن مهاجرین به کشورهای دیگر، ثروت بسیار بزرگی هستند که مُثت و مجانی در اختیار کشور مهاجرپذیر قرار می‌گیرند تا جایی که حتی بعضی کشورهای غربی با پذیرایی از نخبگان سایر کشورها ذخایر ژنتیکی خود را افزایش و حتی اصلاح ژنتیکی در جامعه خود انجام داده‌اند.

من بر اساس تجربیات فراوان قبلی خود مطمئنم که اولویت اول غالب این نخبگان، کار در وطن و خدمت به هموطنان خویش است. اما اگر به بازی گرفته نشوند و در جای مناسب مورد استفاده قرار نگیرند چرا باید بمانند؟ پس من معتقدم مسئله فرار مغزها نیست بلکه فراری دادن مغزهاست.

### روایت دانشجویی



### مراهم‌بین

**■ سیمیه عطیعی**

«موروز کامپیوتر خاموش است»؛ حرفی بود که هر از گاهی از دکتر مشهدی می‌شنیدم. وقت‌هایی که سر کلاس جبر سؤالی می‌پرسید و محمدحسین مرادی هم مثل بقیه خویش را نمی‌دانست. معتقد بود نه اینکه پاسخ سؤالی را بلد نباشد که حتماً یادش رفته است.

حرص همه‌مان درمی‌آمد، میان آن همه دانشجو شاید فقط یکی دو نفر بودند که مثل مرادی نورچشمی استاد بودند. دکتر مشهدی تازه ترم اولش بود که به دانشکده ما آمده بود اما ما حداقل سه چهار ترمی را با هم گذرانده بودیم. تنها تفاوت مرادی با بقیه بچه در سخنان‌های کلاس این بود که او فوری و می‌معطلی می‌پرید وسط حرف استاد و جواب را می‌گفت. خوب معلوم بود که استاد تازه‌وارد خوشش می‌آمد.

البته دکتر زعفرنی هم بود که محلی به ایسن ادا طواها نمی‌گذاشت و هر وقت مرادی می‌خواست حرفی بزند می‌گفت شما دانشنت را آخر ترم روی بر که امتحانی به من نشان بدن.

او البته ماوردوری‌های مهر دو سال پیش را به اصطلاح خودش بزرگ کرده بود و تفاوت دانش سر کلاس و روی بر که را فهمیده بود.

آن روز هم مرادی از جواب استاد مشهدی عاجز ماند. او این بار برخلاف همیشه، دستش را بلند نکرد که استاد هم همچون هر جلسه، بگوید فعلاً تونه‌او دور کلاس بچرخد و دانه دانه بچه‌ها را تست کند که آیا جواب را می‌دانند یا نه. و بعد به مرادی بگوید که خوب حالا توبگو…

بعد که استاد سراغش رفت و او از پرسید جواب را می‌داند یا خیر، جوایش منفی بود و استاد مثل چند جلسه قبل که اتفاقی مثل این تکرار شده بود، گفت: «کامپیوتر خاموش است.» از کلاس که رقتیم بیرون چند نفری از بسترها دور مرادی حلقه زده بودند، یکی گفت: خوب جناب مرادی، خوب مخ استاد روزیدی!

مرادی هم لبخندی زد و گفت: ما اینیم دیگه. کفرم در آمده بود، من دانشجو خوب کلاس بودم و از نمره‌هایم هم معلوم بود اما این بار استاد جدید از این آدم‌های سر زبان‌دار خوشش می‌آمد و البته چندان به ما به قول خودش «دخترکان دانشجو» روی خوشی نشان نمی‌داد.

معتقد بود دخترها اگر بروند مامایی بخوانند یا تخصص پوست و مو بگیرند پاریشان بهتر است و هندسه و جبر و احتمال به درد ما نمی‌خورد.

حتی آن روز هم که دست بلند کردم و مسئله روی تخته سیاه کلاس را حل کردم، چیزی شبیه به این گفت و به جای تشکر،

حالم را گرفت.

برای همین هم بود که چندان میلی به عرض اندام در کلاس نداشتم و این آقای مرادی فضا را فراهم دیده بود. در اینکه او هم در سبش را خوب می‌دانست شکی نبود اما روی خوش